

تبیین عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا در طول مرزها راهبرد اولیه مدیریت مرزهای ایران

محسن جان‌پرور^۱، محمد قصری^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۲۵

از صفحه ۵۵ تا ۸۶

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی

سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳

چکیده

روند جهانی شدن زمینه توسعه روابط بین کشورها و نفوذپذیری مرزهای سیاسی را افزایش داده است. این امر به صورتهای مختلف بر مرزهای سیاسی بین کشورها و مناطق مرزی تأثیر گذاشته و زمینه توسعه مبادلات تجاری بین کشورها و سایر بازیگران چه در قالب مبادلات قانونی و چه در قالب مبادلات غیرقانونی نظیر قاچاق کالا را فراهم آورده است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران با توجه به دارا بودن مرزهای طولانی از پدیده قاچاق کالا به صورت‌های مختلف دچار چالش و ناامنیهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... شده است. بر این اساس، شناسایی و تبیین عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا یکی از گام‌های اولیه مدیریت و کنترل مرزهای ایران می‌باشد که مقاله حاضر بنادار با روشی توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخدهد که چه عواملی بر قاچاق کالا در مرزهای ایران مؤثر می‌باشند؟ منابع مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها به‌منظور پاسخدهی به این پرسش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه‌ای) صورت گرفته است و برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ای از نرم‌افزار SPSS و آزمون T-test استفاده شده است. نتایج حاصل از این بررسی حاکی از آن است که عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در طول مرزهای ایران شامل عوامل جغرافیایی (طول مرزها، جغرافیای طبیعی مرزها و...)، عوامل اقتصادی (نابرابریهای فضایی، بیکاری و...)، عوامل اجتماعی و فرهنگی (فرهنگ عمومی، افزایش فرهنگ مصرف‌گرایی و...)، عوامل سیاسی (تعداد همسایگان، میزان اعمال حاکمیت کشور همسایه در قلمرو خود و...) است. شناخت این عوامل مؤثر بر قاچاق کالا گام اولیه حرکت برای مدیریت و کنترل مرزهای ایران است.

کلید واژه‌ها: مرز، مرزهای ایران، قاچاق، قاچاق کالا، راهبرد.

۱- استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول). janparvarm@yahoo.com

۲- دانشیار پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی.

مقدمه

با پیشرفت‌ها و تحولات صورت‌گرفته در عرصه بین‌المللی باید به فرایند جهانی‌شدن و تأثیر آن بر اقتصادهای ملی در سطح جهان اشاره کرد. جهانی‌شدن باعث نزدیکی بیشتر بازارهای بین‌المللی شده و کالاهای مختلف را در نواحی گوناگون جهان در دسترس مردم قراردادده‌است. در این بین اگرچه برخی کشورها به بازار آزاد و یا تجارت آزاد نپیوسته‌اند اما در نهایت حجم تولیدات، تقاضا برای مصرف در داخل کشورها و تمایل به واردکردن آنها از سوی افراد باعث شکل‌گیری قاچاق شده و کالاهای تولید خارج را به این شکل وارد کشورهای دیگر می‌نماید. هرچند پدیده قاچاق کالا کم‌وبیش تمام کشورهای دنیا را درگیر کرده‌است ولی وسعت و عمق آن در کشورهای درحال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته است به طوری که در برخی از کشورهای درحال توسعه قاچاق کالا بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه را دربرمی‌گیرد. براین اساس، اقتصادهایی که با فراوانی بالا و تعدد قاچاق روبه‌رو هستند با یک بیماری و ناکارآمدی در کنترل مناسبات تولیدی و توزیعی خود مواجه می‌باشند.

قاچاق کالا به نظام اطلاعات اقتصادی کشورها نیز آسیب می‌رساند و امکان برنامه‌ریزی برای رشد بلندمدت را از بین می‌برد. از سوی دیگر، باعث کاهش درآمدهای دولت و به هم خوردن تعادل میان بخش‌های تولیدی، بازرگانی و عرضه کالا می‌شود. به عبارت دیگر، درک فرآیند توسعه اقتصادی یک کشور و برنامه‌ریزی به منظور ارتقای سطح توسعه‌یافتگی آن منوط به شناخت عملکرد عمومی اقتصاد است. کیفیت چنین شناختی وابستگی تمام و کمال به وضعیت نظام اطلاعات اقتصادی و کارآمدی آن دارد. علاوه بر بخش اقتصاد رسمی کشور، بخشی از عملکرد عمومی اقتصاد کشور به عمد از دید مأموران و واحدهای جمع‌آوری آمار و اطلاعات پنهان‌نگه‌داشته می‌شود. اصطلاحاً این بخش از عملکرد عمومی اقتصاد یک کشور را «اقتصاد سیاه»^۱ می‌نامند. هرچه وجود این فعالیت‌ها در یک کشور گسترده‌تر باشد شناخت، سیاست‌گذاری صحیح و نظارت بر اجرای سیاست‌ها را دشوارتر ساخته و عامل اختلال در روند اقتصادی جامعه بوده و با ظهور آن ضمن به هم ریختگی اقتصادی، ناهنجاری‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

1- Black Economy.

به وجود می‌آید. گسترش پدیده قاچاق کالا نتیجه عوامل و مولفه‌های متعددی است (ابراهیم‌زاده‌آسمین و عباسیان، ۱۳۹۰: ۱۱۳). در این بین کشور جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و روند جهانی شدن و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در قرن جدید زمینه را برای مبادلات کالا، تردهای فرامرزی و ... برای شهروندان آن به‌ویژه شهروندان ساکن در مناطق مرزی فراهم آورده است و سبب توسعه مبادلات فرامرزی، وابستگی به بازار جهانی، گسترش روابط با کشورهای دیگر و غیره شده است. در کنار این روابط، تردها و مبادلات قانونمند با آن سوی مرزها زمینه‌های قاچاق کالا نیز در نواحی و مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه توسعه قابل توجهی پیدا کرده است. این روند روبه‌توسعه قرن حاضر در کنار مرزهای گسترده جغرافیایی، تعدد همسایگان، فقدان حاکمیت قوی کشورهای همسایه ایران بر سرزمین خود، محدودیت‌های قانونی برای ورود و خروج کالا، فقر و توسعه نیافتگی مناطق مرزی ایران، درصد بیکاری بالا در مناطق مرزی ایران و ... به صورت‌های مختلف زمینه شکل‌گیری و توسعه قاچاق کالا در طول مرزهای ایران را فراهم آورده است. متأسفانه، امروزه مسئله قاچاق کالا در کشور در حدی است که علاوه بر آثار سوء اقتصادی به‌عنوان یک چالش اقتصادی و اجتماعی در حوزه‌های منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی تبدیل شده است به طوری که رواج قاچاق و تأثیر سوء آن به‌عنوان یک عامل بازدارنده توسعه موجب اختلال در اعمال و اجرای برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولتی شده و در نهایت، باعث کاهش رشد و رکود اقتصادی کشور به‌ویژه در مناطق مرزی و حاشیه‌ای کشور شده است. مقاله حاضر دارای دو پرسش اصلی می‌باشد که عبارتند از این که چه عواملی بر قاچاق کالا در مرزهای ایران مؤثر می‌باشد؟ تا از این طریق بتوان مرزهای کشور را مدیریت کرد.

ادبیات پژوهش

مرز

مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملت پایه را مشخص می‌کنند. مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۶۹). به بیان دیگر، مرز

خطی است فرضی در فضا که جداکننده دو ملت، دو کشور و دو نظام حکومتی است. مرز در انتهای قلمرو حقوقی و قانونی یک دولت قرار می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

مدیریت مرز

مدیریت مرز مکانیسمی برای اطمینان از امنیت مرزهای ملی و تنظیم ورود و خروج‌های قانونی برای فراهم کردن نیازهای متنوع ملت به وسیله ارتباطات فرهنگی-اجتماعی-اقتصادی می‌باشد که از طریق مرزها ایجاد می‌گردد. به عبارت دیگر، اصطلاح مدیریت مرز یک واژه گسترده‌تری است که امور مدیریتی مرزها را مشخص می‌کند که شامل تضمین جایگاه‌ها می‌باشد. مهم‌ترین بازیگران مدیریت مرز مردم ساکن در مناطق مرزی می‌باشند. این ساکنان از مدیریت مناسب مرزی سود می‌برند. در همان زمان، برای هر سازمانی به صورت بالقوه غیرممکن است که درگیر مدیریت مرز بدون توجه به ساکنان مرزی باشد.

امروزه، مدیریت مرز اهمیتی ویژه به دست آورده است. فرایند جهانی شدن فرصت‌ها و چالش‌های جهانی در کنار یکدیگر ایجاد می‌کند. برای سازگاری باید با روش مناسب به سوی مرزها برای فعالیت‌های جهانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مفید و مهم در راهی گام برداشت که بتوان تهدیدهای مختلف مطرح شده را شناخت و تمامیت ملت را در راه دیگر حفظ کرد. این امر نیازمند گونه‌های خاصی از مکانیسم‌ها برای تنظیم مرز است و این هدفی است که در پشت ایده کلی مدیریت مرز قرار می‌گیرد (والکر، ۲۰۱۱). در این راستا، مدیریت مرز اغلب به روش‌ها و فناوری‌هایی اشاره می‌کند که به افراد، دولت‌ها و حکومت‌ها کمک می‌کند تا مسائل مرزی، جلوگیری از ناامنی‌های فضای جهانی بر فضای ملی و ... را منطبق با قوانین و مقررات کشور انجام دهند. این امر شامل آژانس‌های مختلف سازمان‌یافته و سایر زیرساخت‌های فیزیکی، تسهیلات و ترتیبات امنیتی طراحی شده و مدیریت شده نیز می‌شود. مدیریت مرز بیش از کنترل مرزی که گمان می‌شود مسئولیت رسیدگی به عبور و مرور افراد، کالاها، منابع مرزی و ... است با امنیت ملی کشور ارتباط دارد. در راستای آرایه فرایند مدیریت مرزی، مدیریت بهینه و مؤثر مرزی به طور خودکار به نفع کشور و همچنین به نفع امنیت جهانی می‌باشد (کا.جی.اچ. بورد سرویس، ۲۰۱۲).

قاچاق کالا

دهخدا در لغت‌نامه خود واژه قاچاق را مأخوذ از زبان ترکی دانسته و آن را به معنی آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است تعریف نموده است. براساس این تعریف کالای قاچاق کالای ممنوع‌الورود و ممنوع‌المعامله بوده و قاچاقچی کسی است که مال‌التجاره ممنوع‌الورود یا ممنوع‌المعامله را بدون کسب اجازه دولت و یا پرداختن گمرک وارد کند و یا بفروشد (دهخدا، ۱۳۳۹: ۳۷۸). معین نیز در لغت‌نامه خود قاچاق را کاری می‌داند که برخلاف قانون به صورت پنهانی انجام می‌شود. در این تعریف متاع قاچاق متاعی است که معامله یا ورود آن به کشور ممنوع است (معین، ۱۳۸۳: ۵۸۳). قاچاق دارای انواع مختلفی است که قاچاق کالا در این بین یکی از آنها می‌باشد. سازمان جهانی گمرک تعریف زیر را از قاچاق کالا وضع کرده و اعضای آن سازمان از جمله جمهوری اسلامی ایران آن را پذیرفته‌اند:

«قاچاق تخلف گمرکی است شامل جابه‌جایی کالا در طول یک مرز گمرکی به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی» (احمدی، ۱۳۸۲: ۳۱).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و برای گردآوری و فیش‌برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای، پرسش‌نامه‌ای، اسنادی و اینترنتی استفاده شده است. هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا به عنوان گام اولیه برای مدیریت بهتر مرزهای ایران است. نمونه آماری پژوهش حاضر شامل نخبگان دانشگاهی از رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی است که به نوعی در زمینه مرزها، قاچاق و مناطق مرزی مطالعه داشته‌اند. در این راستا، برای تعیین حجم نمونه از فرمول تعیین حجم نمونه جامعه محدود با سطح اطمینان ۹۵٪ استفاده کردیم و بر اساس آن باید ۳۵ پرسش‌نامه توزیع می‌شد که برای بهتر شدن نتیجه در جمع‌آوری اطلاعات بیش از ۷۰ پرسش‌نامه در بین جامعه آماری توزیع شد. پرسش‌نامه‌هایی که به صورت کامل پاسخ داده شده و جمع‌آوری گردید ۵۴ عدد بود که به عنوان یافته‌های پژوهش مورد‌ارزیابی و تحلیل

قرار گرفت. بر این اساس، آزمون کرونباخ برای پایایی پرسش‌نامه‌ای محاسبه شد و نتیجه زیر به دست آمد:

Reliability Case Processing Summary

		N	%
Cases	Valid	42	77.8
	Excluded ^a	12	22.2
	Total	54	100.0

a. Listwise deletion based on all variables in the procedure.

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
.893	19

همان‌طور که آزمون کرونباخ در بالا نشان می‌دهد آلفای کرونباخ پرسش‌نامه برابر با ۰.۸۹۳ می‌باشد که به عدد ۱ خیلی نزدیک است. بر این اساس، می‌توان گفت پرسش‌نامه مذکور از پایایی لازم برخوردار می‌باشد. داده‌ها نیز به وسیله نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون T-test تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌های پژوهش

عوامل جغرافیایی

جغرافیای طبیعی منطقه مرزی

جغرافیای طبیعی منطقه مرزی از جمله ناهمواری‌ها، کوه‌ها، جنگل‌ها، رودها و... در طول خط مرزها امکان تردهای غیرمجاز، قاچاق کالا و... را از طریق سخت‌تر کردن نظارت و کنترل مرزها افزایش می‌دهد. در این راستا، با شناخت ویژگی‌های زمین‌شناختی می‌توان ضمن کنترل تردهای غیرمجاز و قاچاق کالا به دو صورت از آنها استفاده کرد:

الف) استفاده از ویژگی‌های زمین‌شناختی در استقرار هرچه بهتر و مؤثرتر نیروها و تجهیزات و پایگاه‌ها برای کنترل مرزها: استفاده از این ویژگی‌ها از اصلی‌ترین عناصر در کنترل مرزها می‌باشد. شناخت این ویژگی‌ها همراه با سایر ویژگی‌های طبیعی هرگونه

آسیب‌پذیری را به حداقل رسانده و امکان کنترل مرزها با حداقل نفرات و تجهیزات به بهترین نحو را فراهم می‌آورد به‌ویژه در مناطق کوهستانی شرق و غرب کشور این مسئله حائز اهمیت است زیرا در این مناطق (کوهستانی) شناخت و کنترل عوارض در حکم در اختیار داشتن منطقه وسیع می‌باشد.

ب) استفاده از ویژگی‌های زمین‌شناختی برای تغییر مصنوعی در مناطق مرزی و همچنین آمایش یا آماده‌کردن محل ایجاد و استقرار پایگاه‌ها و نیروها، تجهیزات و سیستم‌های هشداردهنده می‌تواند در کنترل مرزها نقش به‌سزایی داشته باشد (فرهنگ‌آذر، ۱۳۸۶: ۲۴۱).

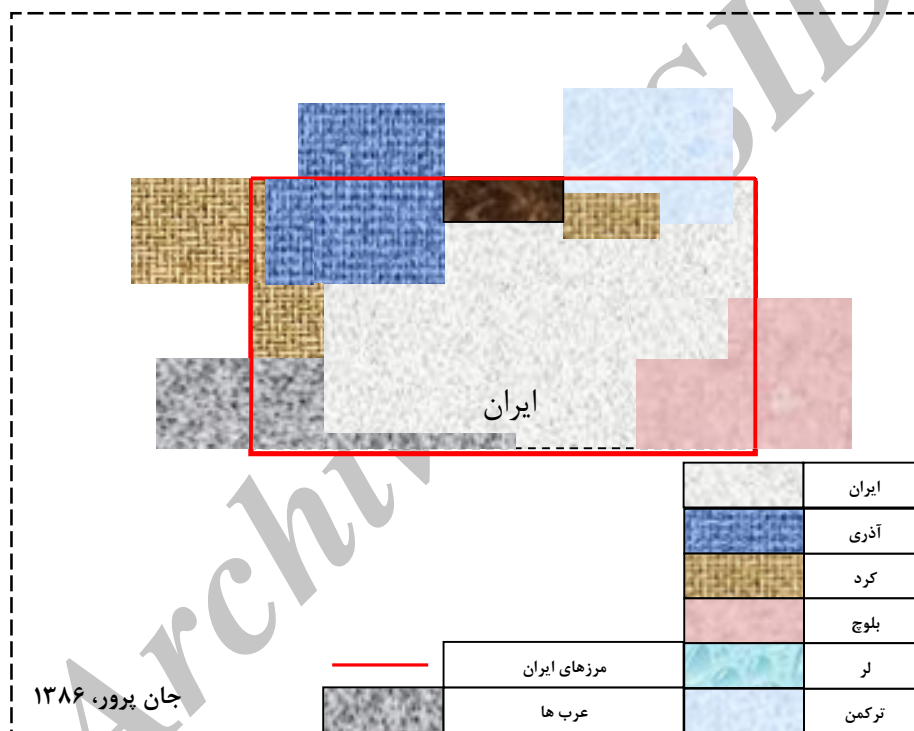
طول مرزها

جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای است که دارای مرزهای طولانی با همسایگان خود می‌باشد. طول مرزهای ایران بالغ بر ۸۷۳۱ کیلومتر است. این گستردگی مرزها ضمن بالابردن هزینه‌ها و نیروهای لازم برای کنترل مرزها به‌صورت‌های مختلف توانایی‌های دولت و نیروهای انتظامی را برای کنترل و مدیریت دقیق مرزها و جلوگیری از تردهای غیرمجاز مرزی، قاچاق کالا و... کمرنگ می‌کند و زمینه شکل‌گیری قاچاق کالا و تردهای غیرمجاز مرزی را در طول مرزهای کشور فراهم می‌آورد.

الگوی ترکیبی ملت ایران از منظر جغرافیایی

ساختار فضایی - جغرافیایی ملت ایران از دو بخش به‌هم‌پیوسته مرکزی و پیرامونی پدیدآمده است. بخش پیرامونی برخلاف بخش متراکم و متجانس مرکزی دچار گسیختگی است و مجموعه‌ای متنوع از گروه‌های فرهنگی و قومی را دربرمی‌گیرد. در این بین، تداخل و درهم‌آمیختگی قومی، زبانی و مذهبی حاشیه فضاهای سرزمینی ایران و فضاهای سرزمینی قومی-مذهبی کشورهای همجوار زمینه‌ساز آغاز و گسترش بحران‌های موقت یا دوره‌ای منطقه‌ای و حتی سراسری در ایران بوده است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۱۳). این امر سبب شده است که پدیده قاچاق کالا بین این گروه‌های قومی دو سوی مرز، که از نظر اجتماعی خود را یک گروه به‌حساب می‌آورند، شکل بگیرد. همچنین، سبب شکل‌گیری نوعی همکاری متقابل بین دو گروه قومی در دو سوی مرز برای پایین‌آوردن نظارت‌های قانونی، ریسک‌های به‌دام‌افتادن افراد و همچنین حمایت از

این تردهای غیرمجاز از طریق پناه دادن، حمایت کردن و... می‌شوند. بر این اساس، وجود این الگوی فضایی قومیت‌ها در کشور که اکثراً دارای دنباله‌هایی در ماورای مرزهای سیاسی کشور می‌باشند زمینه شکل‌گیری و توسعه قاچاق کالا را فراهم آورده‌است. در نمودار زیر پراکندگی جغرافیایی گروه‌های قومی ایران نشان داده شده‌است که دارای دنباله‌هایی در آن سوی مرزها در قالب کشورهای مستقل یا گروه‌های قومی نیمه‌مستقل و وابسته می‌باشند. (شکل ۱)



شکل (۱): پراکندگی جغرافیایی قومیت‌ها در ایران

موقعیت محوری و ترانزیتی ایران

از گذشته‌های بسیار دور تاکنون به سبب موقعیت خاص جغرافیایی ایران که در مسیر عبور کاروان‌های تجاری بین‌المللی قرار داشته و همواره از نظر بازرگانی به عنوان پل ارتباطی جهان شرق و غرب مطرح بوده‌است و با توجه به شرایط ویژه‌اش از نظر امکانات

مواد اولیه، نیروی انسانی، تمدن، فرهنگ غنی و... حائز اهمیت بوده و پیوسته به عنوان یک بازار مبادله و سرمایه‌گذاری مورد توجه بازرگانان و حتی حکومت‌ها و قدرت‌های سیاسی و صنعتی جهان قرار داشته‌است (عبدالمحمدي، ۱۳۸۸: ۱۸۰). این موقعیت خاص جغرافیایی سبب شده‌است که افراد و گروه‌ها در داخل و خارج از مرزهای کشور برای استفاده و بهره‌برداری از آن در راستای دستیابی به اهداف تجاری و اقتصادی خود چه به صورت قانونی و چه به صورت غیرقانونی تلاش کنند که این امر به نوبه خود بر شکل‌گیری و توسعه پدیده قاچاق کالا در طول مرزهای ایران تأثیر گذاشته‌است.

عوامل اقتصادی

نابرابری‌های فضایی

طبق نظریه مرکز-پیرامون به دلیل دوری نقاط مرزی از مرکز کشور، که مرکز توزیع است، چنانچه کالایی از مرکز به حاشیه برسد قیمت آن افزایش می‌یابد. علاوه بر این، پایین بودن قدرت خرید مرزنشینان و جاذبه‌ها و تنوع طرف دیگر مرز همواره آنها را تشویق به طرف مقابل می‌نماید (فیروزجائی، ۱۳۸۴: ۴۹). این نابرابری فضایی نقشی کارساز در افزایش مهاجرت‌های افسارگسیخته بازی می‌کند و از این راه توزیع بهینه جمعیت در فضا را ناممکن می‌سازد. فشرده سخن این که نابرابری فضایی امکان بروز فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، مهاجرت و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد. گذشته از آن، نابرابری‌های فضایی می‌توانند به بنیان یکپارچگی ملی آسیب‌رسانده و جلوی پیشرفت عمومی اقتصاد را بگیرند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۲۰). همچنین، نابرابری‌های فضایی به‌ویژه بین مناطق مرکزی و پیرامونی می‌توانند شکاف‌های سیاسی را عمیق‌نمایند و نارضایتی ناحیه‌ای را تغذیه کرده و به لطمه‌دیدن انسجام و یکپارچگی ملی نیز، که از نابرابری‌های فضایی مایه می‌گیرد، کمک‌کنند (درايسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۲۳۰). با توجه به این که کالبد طبیعی سرزمین ایران با ارایه توانایی‌های بالقوه موضعی حاوی اختلافات بس عمیق در زمینه بازدهی محیط است این اختلافات و ناهمگونی در سطوح محیطی خود موجب گسیختگی عمیقی در زمینه توزیع فضایی جمعیت و فعالیت شده و فضاهای خالی و پرتراکمی را ایجاد می‌کند به‌ویژه این که بخش وسیعی از سرزمین ایران در مناطقی قرار دارد که با توجه به خست و خشونت طبیعت بازده آنی و صرفه اقتصادی را

برآورده نمی‌کند (سرور، ۱۳۸۴: ۶). علاوه بر آن، تمرکزگرایی در سیاست‌های رشد و توسعه اقتصادی نابرابری‌های منطقه‌ای را در کشور به دنبال داشته‌است که از دید نظری این نابرابری باعث بهره‌گیری نامتناسب از فضا، جابه‌جایی نیروی انسانی و سرمایه، مهاجرت و افزایش شکاف میان مناطق برخوردار و محروم شده‌است (یاسوری، ۱۳۸۴: ۱۳۸) و سبب توسعه گرایش افراد به سوی قاچاق کالا در طول مرزها گردیده‌است.

فقر و تنگدستی

از سوی صاحب‌نظران مختلف دلیل و انگیزه اصلی مرزنشینانی که به امر قاچاق کالا مبادرت می‌ورزند اقتصادی است. وضعیت بد اقتصادی و ناتوانی در تأمین مایحتاج زندگی خود از راه‌های قانونی باعث می‌شود که مردم این مناطق، که عموماً نیز به خاطر کمبود اشتغال در این مناطق بیکار می‌باشند، بازچه سرمایه‌داران بزرگ قرار گرفته و اقدام به واردات کالا از طرق تردهای غیرقانونی کنند و در مقابل آن دستمزد بسیار اندکی را دریافت نمایند. این مرزنشینان معمولاً به خاطر شناخت کافی از منطقه مرزی و وضعیت طبیعی آن دور از دسترس مأموران انتظامی دست به این کار می‌زنند (بشیری، ۱۳۷۷: ۱۹۹). در این زمینه می‌توان به بدوکی‌ها در استان سیستان و بلوچستان اشاره کرد که از روی ناچاری و نیاز اقتصادی اقدام به تردهای غیرمجاز و قاچاق کالا در طول مرزهای جمهوری اسلامی ایران می‌کنند. این عده محروم‌ترین، فقیرترین و کم‌درآمدترین افراد و به عبارتی استثمارشوندگان در سیستم قاچاق کالا محسوب می‌شوند. بدوکی وظیفه حمل کالاهای قاچاق متعلق به سرمایه‌داران بزرگ را برعهده‌دارد یعنی عبور دادن کالا از نقاط صعب‌العبور نظیر نواحی کوهستانی و نیز از محل‌هایی که امکان عبور وانت قاچاق به علت کمین یا تأمین نیروهای انتظامی و نظامی مشکل‌است و سرانجام، رساندن کالاها به شهر. برای مثال، در یکی از مسیرهای ورود کالا یعنی مسیر هشتاد کیلومتری میرجاوه به شهر زاهدان حمل کالا از بازارچه‌های آن سوی مرز تا منطقه‌ای معروف به تفتان در داخل خاک ایران، که با توجه به شرایط زمانی و مکانی از چند صد متر تا چندین کیلومتر طول دارد، دورزدن پاسگاه‌های بین راه و محل‌ها و نواحی کوهستانی که امکان کمین نیروهای انتظامی در آنها وجود دارد و رساندن کالا از طریق کوچه‌های فرعی بازار رسولی (محل اصلی عرضه کالاهای قاچاق) به مغازه‌ها و انبارهای این محل یا مکان‌های دیگر از مسئولیت‌های اصلی این افراد است. بدوکی یک کلمه بلوچی بوده و به کسی

اطلاق می‌شود که باری را بر دوش حمل می‌نماید. اکثر بدوکی‌ها از طوایف بلوچ، ریگی، گمشادزهی، شهبخش، کردوگریچ و ۲۰ درصد نیز فارسی‌زبان می‌باشند که در مرز مستقر شده و برای خود موقعیتی کسب نموده‌اند. همچنین، درصدی از بدوکی‌ها پاکستانی، افغانی و زابلی می‌باشند. از نظر مذهب بدوکی‌ها سنی‌مذهب بوده و فارسی‌زبان‌های آنها شیعه می‌باشند. شایان ذکر است افراد پاکستانی و افغانی نیز از اهل سنت می‌باشند. بدوکی‌ها دارای آداب و سنن خاصی نبوده و بیشتر تابع آداب قبیله، ایل و طایفه می‌باشند. افراد طایفه دارای همبستگی فراوانی بوده و از ریش‌سفیدان طایفه تبعیت می‌نمایند. فرهنگ بدوکی آمیخته‌ای از فرهنگ کشور همسایه بوده و با آنان ازدواج‌های فامیلی صورت می‌دهند و زندگی دوگانه‌ای دارند. شایان ذکر است که بدون در نظر گرفتن قوم و قبیله نمی‌توان فرهنگی را تعریف نمود. بیش از ۸۵ درصد این افراد برای گذران زندگی اجیر شده و از طریق سرمایه‌داران اقدام به تردهای غیرمجاز و قاچاق کالا در طول مرز می‌کنند (کلهر و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷۸-۱۷۶).

بیکاری

یکی از عوامل مهم و شاید مهم‌ترین عامل تردهای غیرمجاز مرزی و قاچاق کالا بیکاری است. همان‌طور که بیان شد مناطق مرزی به دلیل فقدان توسعه و ضعف در زیرساخت‌های اقتصادی دارای مراکز اشتغال‌زایی همچون کارخانه‌ها، صنایع نساجی و ... نمی‌باشند. این امر در کنار وجود جمعیت جوان بالا سبب افزایش نرخ بیکاری در این مناطق شده است. نرخ بیکاری بالا در این مناطق و فشارهای اقتصادی بر افراد سبب شده است که آنها برای یافتن کار، کسب درآمد، معیشت زندگی و ... به عبور و مرور غیرمجاز از مرزهای کشور اقدام کنند.

کاهش نرخ اشتغال در اقتصاد رسمی هم توجیه‌کننده و هم علت افزایش نرخ اشتغال در اقتصاد غیررسمی و قاچاق کالا است. افزایش عرضه نیروی کار و کاهش تقاضا برای نیروی کار در بخش رسمی می‌تواند اشتغال در بخش غیررسمی را افزایش دهد. به دلیل توسعه نیافتگی مناطق مرزی و بالا بودن میزان بیکاری تعداد زیادی از نیروهای بیکار به قاچاق کالا روی می‌آورند. متوسط نرخ بیکاری در استان‌های مرزی اردبیل، بوشهر، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، گلستان، گیلان و

هرمزگان بالاتر از سطح متوسط کشور می‌باشد. البته نرخ بیکاری در روستاهای مرزی از متوسط استان‌های مرزی نیز بالاتر است (مرکز آمار ایران: ۱۳۸۷:۲۴). کاهش نرخ اشتغال در اقتصاد رسمی هم توجیه‌کننده و هم علت افزایش نرخ اشتغال در اقتصاد غیررسمی و قاچاق کالا از طریق تردهای غیرمجاز است. افزایش عرضه نیروی کار و کاهش تقاضا برای نیروی کار در بخش رسمی می‌تواند اشتغال در بخش غیررسمی را افزایش دهد (شکیبایی، ۱۳۷۸: ۱۶۳). به دلیل جوان بودن جمعیت و فقدان جذب نیروی کار فراوان از سوی فعالیت‌های مولد در کشور بخشی از نیروی کار به دنبال مشاغل کاذب خواهند رفت. این امر ناشی از ضعف زیربنای تولیدی، شاخصه‌های پایین توسعه و تولید سرانه محدود می‌باشد به طوری که حتی درآمدهای محدود قاچاق خرده‌پا نیز برای بسیاری از مردم معنادار و قابل توجه باشد. نرخ بیکاری در کشور نه تنها در یک دهه اخیر به طور قابل ملاحظه‌ای بالا بوده بلکه روند افزایشی داشته است. علاوه بر آن، مناطق مرزی کشور و به ویژه مناطق مرزی جنوبی از نرخ بیکاری بالاتری برخوردار بوده و جزو مناطق محروم کشور محسوب می‌شوند. فقدان مشاغل مولد در مناطق مرزی موجب شده که جوانان برای کسب درآمد اندک نیز به عامل و اجیرشدگان شبکه‌های قاچاق کالا تبدیل شوند.

وجود فاصله اقتصادی بین دو کشور همسایه

اگر وجود تفاوت زیاد در قدرت اقتصادی دو کشور همسایه منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات و تسهیلات و بازار کار در دو سوی مرز گردد این امر باعث خواهد شد که اغلب اتباع کشوری که توان اقتصادی ضعیف‌تری دارند اقدام به تردد به آن سوی مرزهای سیاسی کشور به منظور استفاده از بازار کار و همچنین استفاده از خدمات و تسهیلات موجود در آن سوی مرز بنمایند. با توجه به محدودیت‌ها و قوانین که از سوی دو کشور در طول نوار مرزی مشترک اعمال می‌شود این عبور و مرور در مناطق مرزی سبب می‌شود که افراد برای دستیابی به خواسته‌های خود در آن سوی مرز، که بیشتر جنبه اقتصادی دارد، به قاچاق کالا در طول مرز اقدام نمایند.

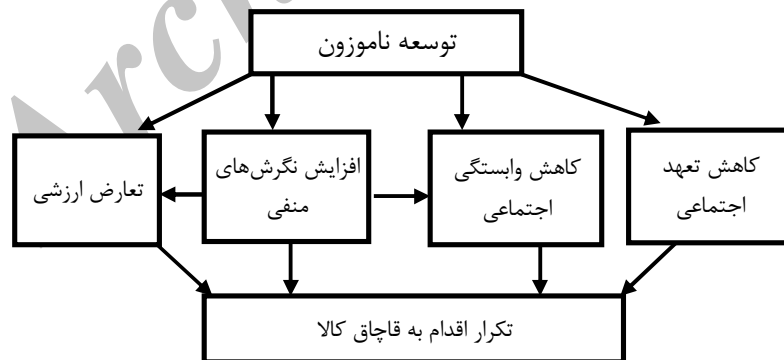
توسعه نیافتگی منطقه مرزی

توسعه پدیده‌ای چندبعدی است که نتایج اقتصادی آن جلوه بیشتری دارد اما بعد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن اهمیت کمتری نسبت به بعد اقتصادی توسعه ندارد. هنگامی که یک جامعه در مسیر توسعه قرار می‌گیرد بنا دارد که به سمت شرایط جدیدی حرکت کند. این شرایط جدید بیش از همه با اهداف اقتصادی تعریف می‌شود (مینایی، ۱۳۸۳: ۲۲۲) توسعه واقعی باید بتواند برای همه افراد جامعه صرف نظر از موقعیت استقرار مکانی (مرز یا مرکز) در همه ابعاد شرایط لازم را در جهت پویایی و رشد و تعالی مادی و معنوی آنان فراهم سازد. با توجه به این مفهوم از توسعه که تأکید اصلی آن بر توسعه انسانی با محوریت نیازمندی‌های مادی، معنوی و اخلاقی است می‌توان ویژگی‌های زیر را در توسعه مناطق مرزی استنتاج و ارایه نمود:

- ۱- ابعاد توسعه مناطق مرزی با ابعاد توسعه کشور درهم تنیده‌اند. به عبارت دیگر، توسعه مناطق مرزی با توسعه ملی دارای رابطه‌ای متقابل هستند؛
- ۲- مناطق مرزی محل تلاقی برنامه‌های توسعه داخلی کشور با برنامه‌های توسعه‌های همسایه است. بدین ترتیب تأثیرات متقابل این برنامه‌ها بر یکدیگر می‌توانند منفی (تهدید) و یا مثبت (فرصت) تلقی شوند. این تأثیرات متقابل باید هم‌زمان مدنظر قرار گیرند.
- ۳- مناطق مرزی علاوه بر تأثیرپذیری از شرایط و ویژگی‌های مربوط به کشور از مسائل و ویژگی‌های خاص مناطق مرزی متأثر است. ویژگی‌هایی مانند دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، تنوع قومیت‌ها، مذاهب و خرده‌فرهنگ‌ها و کاهش میزان نظارت و کنترل دولت مرکزی بر آنها عواملی هستند که بر فرایند توسعه مناطق مرزی تأثیر می‌گذارند.
- ۴- با توجه به منابع انسانی، طبیعی و شرایط جغرافیایی و سیاسی مناطق مرزی در فرایند توسعه ملی می‌توان از طریق طرح نظامی (سیستمی) هماهنگ برنامه‌ریزی مبتنی بر منابع محلی را در اولویت قرار داد.

نتیجه این که در رابطه با توسعه مرزی و مسائل مناطق مرزی باید در فرایند طراحی و اجرای توسعه همه‌جانبه مسائل متعددی را در نظر گرفت. از جمله با توجه به شرایط خاص این مناطق ارتباط آنها با مسائل ملی از یک سو و چگونگی توسعه کشورهای مجاور از سوی دیگر (توسعه منطقه‌ای) به تأثیرات متقابل و برقراری تعادل مداوم بین مسائل توسعه و امنیت و دفاع می‌توان اشاره کرد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۱-۱۰). چنانچه از لحاظ شاخص‌های توسعه انسانی مقایسه‌ای بین مناطق مختلف کشور داشته باشیم اصولاً هر چه از مرکز به سمت حاشیه برویم بر توسعه نیافتگی افزوده می‌شود.

گزارش توسعه انسانی به تفکیک استان‌های کشور در سال ۸۶ نیز این موضوع را تأیید می‌کند. بر اساس این گزارش، استان سیستان و بلوچستان دارای کمترین شاخص توسعه انسانی در سطح کشور بوده است که پس از آن استان‌های مرزی کردستان، آذربایجان غربی و خراسان شمالی به ترتیب در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار دارند (تیلا، ۱۳۸۸: ۵). این فقدان توسعه مناطق مرزی با بیشینه تردهای غیرمجاز و قاچاق کالا در کشور مطابقت می‌کند به طوری که بیشترین تعداد پرونده‌های قاچاق در سال ۱۳۸۶ مربوط به گمرکات استان سیستان و بلوچستان با ۲۵۳۷ پرونده و سهمی معادل ۲۲/۱۲ درصد بوده است. پس از سیستان و بلوچستان، گمرکات استان آذربایجان غربی با ۱۳/۴۰ درصد و خراسان جنوبی با ۱۰/۱۵ درصد رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند (ابراهیم‌زاده آسمین و عباسیان، ۱۳۹۰: ۱۲۳). بر این اساس، به‌طور کلی می‌توان گفت بین توسعه مناطق مرزی و قاچاق کالا رابطه وجود دارد (شکل ۲).



شکل (۲): رابطه توسعه نامتوازن و توسعه قاچاق کالا

منبع: عبدالمحمدی، ۱۳۸۸: ۱۹۳

عوامل اجتماعی و فرهنگی

وجود پیوندهای زبانی و فرهنگی

چنانچه مرزنشینان دو سوی مرز از یک قوم و طایفه بوده و خویشاوندی هم بین آنان وجود داشته باشد به‌ویژه اگر ازدواج‌های جدید هم بین مرزنشینان دو طرف مرز انجام گیرد رفت‌وآمدهای غیرقانونی شکل می‌گیرد (جان‌پرور، ۱۳۸۶: ۱۲۴). در کنار این تردهای غیرمجاز مرزی حمل کالاهای قاچاق و کسب سود برای تأمین نیازهای دوطرف صورت می‌گیرد.

تبعیض‌های ناروا

اگر فردی از شرکت در امور کشورش کنارگذاشته شود نسبت به سرنوشت آن نیز بی‌تفاوت خواهد ماند (اعتماد، ۱۳۷۵: ۹). همچنین، اگر افراد جامعه نسبت به رعایت حقوق خود مطمئن باشند نسبت به اجرای تکالیف و تعهدات خویش در مقابل جامعه جدی خواهند بود در صورتی که اگر حکومت حقوق و آزادی‌های فردی را محترم‌نشمارد افراد جامعه نیز در مقابل خود را به رعایت مقررات اجتماعی موظف نخواهند دانست و در نتیجه، نظام اجتماعی و نظم و امنیت عمومی مختل می‌شود (حبیب‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۶۰). قاچاق کالا یکی از پیامدهای این تبعیض‌های ناروا در سطح جامعه است زیرا فرد هیچ نوع وابستگی و احساس مسئولیت نسبت به مسائل ناشی از قاچاق کالا و تردهای غیرمجاز در طول مرز احساس نکرده و فقط تأمین نیازها و سود خود را مدنظر قرار داده و به ناامنی‌های اقتصادی، سیاسی و... توجهی نمی‌کند. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری خواهد داشت که این تبعیض‌ها بین مناطق مرکزی کشور و مناطق مرزی واقع شود. از آنجاکه مناطق پیرامونی کشور دارای گسست‌های قومیتی، زبانی و گاهی مذهبی با مناطق مرکزی کشور می‌باشند شکل‌گیری این تبعیض‌ها باعث دور شدن آنها از نیروهای هم‌گرایی مرکزی می‌شود و زمینه قاچاق کالا را بدون در نظر گرفتن مسائل و چالش‌های امنیتی برای کشور فراهم می‌آورد زیرا شهروندان این مناطق خود را جزئی از کشور به حساب نمی‌آوردند و احساس مسئولیت در قبال تعهدات اجتماعی و ملی در بین آنها کم‌رنگ می‌شود.

فرهنگ عمومی

دورکیم^۱ در کتاب خودکشی اظهار می‌کند که مردم در نتیجه شرایط اجتماعی و نه شرایط فردی دست به خودکشی می‌زنند. او یکی از شرایط اجتماعی را که منجر به خودکشی می‌گردد بی‌هنجاری می‌نامد. بی‌هنجاری به وضعیت آشفته‌ای در جامعه اطلاق می‌شود که هنجارهای اجتماعی از بین رفته و یا در تضاد با یکدیگر قرار گرفته باشند. در چنین شرایطی همبستگی و وابستگی فرد و جامعه از بین می‌رود و ارزش‌ها و هنجارهای سنتی، قدرت و نفوذ خود را در جهت حمایت از افراد جامعه از دست می‌دهند (قنادان و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۰۵). در این حالت است که افراد جامعه دیگر خود را ملزم به رعایت ارزش‌ها و هنجارها ندانسته و احساس تعلق خود به آنها را از دست می‌دهند و به ارزش‌ها و هنجارهای جدید، که به نظر می‌رسد تأمین‌کننده نیازهای آنهاست، روی می‌آورند ولی به دلیل نهادینه نبودن آنها یک نوع خلع هنجاری در عموم جامعه به وجود می‌آید که آن را بی‌هنجاری می‌گوییم. به عبارت دیگر، بی‌هنجاری اجتماعی به حالتی اطلاق می‌گردد که در آن ارزش‌ها و هنجارهای سنتی قدرت کنترل اجتماعی خود را از دست داده و ارزش‌ها و هنجارهای جدید نیز هنوز فراگیر و جاافتاده نشده‌اند. لذا، افراد در یک حالت بلا تکلیفی به سربرده و به شیوه‌های فردی و غیرمتداول (رفتار انحرافی) رفتار می‌نمایند. افراد هنگامی با وضعیت بی‌هنجاری روبه‌رو می‌شوند که به نظام اخلاقی مناسبی پایبند نباشند و در چنین شرایطی تشخیص نمی‌دهند که چه رفتاری مناسب و چه رفتاری نامناسب است (ریتزر، ۱۳۷۳: ۷۹). بر این اساس، می‌توان گفت تازمانی که ناهنجاری در نظر کنشگران اجتماعی امری زشت و غیرمنطقی جلوه‌کند میزان ارتکاب انحراف اجتماعی و خروج از هنجارهای اجتماعی کاهش خواهد یافت. انعکاس کجروی‌های اجتماعی در رسانه‌ها در کاهش نفرت از انحرافات و عادی شدن نابهنجاری در جامعه تأثیر به‌سزایی دارد زیرا فرد ضمن اطلاع از نقض هنجارها توسط رسانه‌ها درمی‌یابد که هنجارهای اجتماعی، که به نظر وی غیرقابل تخطی بودند، قابل شکستن و تخلف هستند (شعبانلو، ۱۳۸۶: ۷۸). در این راستا، اگر مرزنشینان دارای فرهنگ پایینی بوده و الگوهای رفتاری رایج در جامعه آنها الگوهای نابهنجار و خلاف قانون و عرف جامعه عمومی آن کشور باشد بدیهی است در امنیت محل

1- E. Durkheim.

سکونت مرزی آنها قانون شکنی و اختلال رواج پیدا خواهد نمود و جرم‌هایی مانند عبور و مرور غیرمجاز از مرزها، قاچاق کالا و... توسعه پیدا خواهد کرد.

در طول مرزهای جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه قومیت‌های مختلف با عقاید و افکار خاصی زندگی می‌کنند. این عقاید و افکار که در طول زمان و از طریق روابط بین دولت مرکزی با آنها یا روابط بین این قومیت‌ها با کشورهای همسایه و... شکل گرفته است سبب شکل‌دهی رفتار و دیدگاه‌های خاصی در بین آنها شده است که به صورت‌های مختلف بر عملکرد و دیدگاه آنها نسبت به قاچاق کالا، قاچاق مواد مخدر و... در طول مرزهای ایران مؤثر می‌باشد.

نیاز مردم دو سوی مرز به کالاهای قاچاق

عامل دیگری که امر قاچاق کالا را در مناطق مرزی توسعه می‌دهد نیاز شدید مردم دو سوی مرز به کالاهای وارده و صادره است که از طریق قاچاق به دلیل کمبود، کیفیت پایین و ممنوع بودن آنها در داخل کشور و... صورت می‌گیرد. این امر سبب می‌شود افراد این کالاها را به هر قیمتی خریداری کنند. مثلاً برخی از کالاها (مواد سوختی و آرد و...)، که در زاهدان ارزان ولی در کشور همجوار گران است، باعث می‌شود افرادی به انگیزه قاچاق، آن کالاها را با قیمت بالاتر از بازار خریداری و وارد کشور مقابل نمایند. این افراد متقابلاً از آن طرف کالاهای مورد نیاز را به صورت قاچاق وارد کشور می‌نمایند (ابراهیم‌زاده آسمین و عباسیان، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

افزایش فرهنگ مصرف‌گرایی

فرهنگ عمومی میل به استفاده از کالاهای خارجی، به دلیل مرغوبیت و در بعضی موارد تنزل ارزش کالای خارجی نسبت به نوع مشابه تولید داخلی، دارد. هریک از مرزهای ایران دارای قلمرو جغرافیایی معینی هستند که این قلمرو مشخص باعث پرورش روحیات و باورهای فرهنگی و نمادهای خاصی می‌گردد. این ویژگی‌ها به صورت متمایز و متفاوت این اقوام را از اقوام ساکن در واحدهای جغرافیایی دیگر متمایز می‌کند (قنبری، ۱۳۸۳: ۵۴). در مقطع زمانی پس از جنگ تاکنون نیز کمبود برخی از کالاها در بازار داخل به دلیل محدودیت ارزش تخصصی از طریق مراجع رسمی، ممنوعیت ورود پاره‌ای از کالاها از مبادی قانونی و در کنار آن سود فراوان حاصل از

تجارت غیرقانونی و قاچاق کالا باز هم دست‌اندرکاران قاچاق را به توسعه و تداوم فعالیت‌های‌شان ترغیب کرده‌است.

عوامل سیاسی

تعدد همسایگان

همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته‌شد جمهوری اسلامی ایران به همراه چین و پس از جمهوری فدراتیو روسیه، رکورددار تعداد همسایه در جهان است. ایران با ۱۵ کشور مستقل و ۲۴ دولت همجوار است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۳). این تعدد همسایگان زمانی اهمیت بیشتری خواهدیافت که بدانیم مرزها دارای دو طرف هستند و برای کنترل و مدیریت آنها به همکاری متقابل بین دو کشور نیاز است. در این راستا، تلاش‌های یک‌طرفه صورت‌گرفته از طرف یک کشور هرچند در سطح بالایی باشد نمی‌تواند زمینه مدیریت و کنترل بهینه مرزها را فراهم‌آورد. بر این اساس، وجود کشورهای متعدد در همسایگی ایران نیازمند تلاش‌های مضاعف برای جلب همکاری آنها برای مدیریت و کنترل مرزها بین دو کشور می‌باشد که این امر خود نیازمند وقت و هزینه‌های سنگین از یک‌سو و فقدان توانایی کشور ایران برای هماهنگ‌کردن خود و کشورهای همسایه در قالب مدیریت مشترک دوطرفه مرز به دلایل مختلف می‌باشد به‌طوری‌که تعدد همسایگان تلاش‌ها را برای شکل‌دادن به همکاری‌های مشترک مرزی با همسایگان کم‌کرده‌است و سبب کنترل و مدیریت یک‌طرفه مرزها شده‌است که این خود فقدان توانایی در کنترل دقیق مرزها و در پی آن قاچاق کالا شده‌است.

میزان اعمال حاکمیت کشور همسایه در قلمرو خود

باتوجه‌به ویژگی خاص مرز ضرورت‌دارد دولت‌های هریک از کشورهای همسایه اعمال حاکمیت قوی در منطقه سرزمینی خود داشته‌باشند تا مرز از دو سوی آن کنترل شود. بنابراین، اگر یکی از کشورهای همسایه به علل مختلف از جمله ناآرامی‌های داخلی، مشکلات اقتصادی، فساد اداری و مالی و یا وجود حکومت‌های ملوک‌الطوایفی (غیرمنسجم) نتواند در سرتاسر مرزهای خود حاکمیت قوی اعمال‌نماید؛ کشور همسایه نیز نمی‌تواند به نتیجه مطلوبی در جلوگیری از تردهای غیرمجاز مرزی و قاچاق کالا برسد (جان‌پرور، ۱۳۸۶). متأسفانه این موضوع در اغلب کشورهای همسایه ایران

صدق می‌کند. به‌عنوان مثال، کشور افغانستان به‌دلیل فقدان یک دولت قوی نمی‌تواند بر سرزمین خود حاکمیت قوی داشته‌باشد که این امر باعث تردهای متعدد غیرمجاز مرزی و قاچاق کالا به‌سوی ایران و برعکس شده‌است. کشور پاکستان، عراق و کشورهای جنوبی خلیج فارس نیز دارای توانایی‌های لازم برای حاکمیت قوی بر سرزمین‌های خود نمی‌باشند که این امر سبب گسترش تردهای غیرمجاز مرزی و قاچاق کالا در طول مرزهای ایران شده‌است.

حضور و اشغال نیروهای بیگانه در کشورهای همسایه ایران

حضور نیروهای بیگانه به‌ویژه آمریکایی و انگلیسی در عراق، افغانستان و حوزه خلیج فارس در نظم و امنیت مرزها و مناطق مرزی ایران چالش‌های جدی ایجاد کرده‌است به‌ویژه نابسامانی‌های موجود در کشور عراق و افغانستان موجب گسترش فعالیت باندهای جنایت‌کارانه و تروریستی، قاچاق اسلحه، بیماری‌های واگیر و مشکلات زیست‌محیطی فراوانی گردیده‌است. حضور این نیروهای بیگانه در کشورهای همسایه در کنار دشمنی دیرینه‌ای که این کشورها با جمهوری اسلامی ایران دارند به‌صورت‌های مختلف بر کنترل مرزهای ایران با کشورهای مذکور تأثیر گذاشته‌است تا جایی که خود این کشورها زمینه قاچاق کالا، خرابکاری و... به داخل مرزهای ایران را بدون در نظر گرفتن رضایت کشورهای همسایه مدیریت و کنترل می‌کنند.

وضعیت روابط سیاسی با کشورهای همسایه

مهم‌ترین عامل در کنترل و مدیریت مرزها را می‌توان در روابط سیاسی دو کشور همسایه مشاهده نمود. بدیهی‌است که اگر دو کشور همسایه دارای روابط سیاسی حسنه باشند هرگونه همکاری را در تأمین امنیت، کنترل و مدیریت مرزهای مشترک به‌عمل خواهند آورد و اگر بین دو کشور روابط حسنه‌ای برقرار نباشد همکاری بین دو کشور برای کنترل و مدیریت مرزهای مشترک نیز شکل نخواهد گرفت. بر این اساس یکی از عواملی که در قاچاق کالا بین کشور ایران با همسایگان مؤثر می‌باشد سطح و وضعیت روابط سیاسی ایران با کشورهای همسایه‌اش است.

قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی

یکی از عواملی که به صورت مختلف در شکل‌گیری و توسعه قاچاق کالا و تردهای غیرمجاز مرزهای کشور مؤثر بوده است فقدان قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی به‌روزشده، شفاف، قاطع و سختگیرانه می‌باشد. براین اساس، وجود چنین قوانین و مقررات بازرگانی که از شفافیت، قاطعیت و دقت لازم برخوردار نمی‌باشد اجازه تغییر، امکان رفع ابهامات و در نتیجه توقیف جریان عادی واردات و صادرات را فراهم آورده و به این ترتیب در مقایسه با هزینه‌هایی که انتخاب مسیرهای قانونی در مقایسه با قاچاق کالا دارد، در یک ارزیابی همه‌جانبه موجبات روی آوردن واردکننده یا صادرکننده به قاچاق کالا و مراجعه به عوامل قاچاق از طریق تردهای غیرمجاز را فراهم می‌سازد. بر حسب مورد در زمینه قوانین و مقررات بازرگانی می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

- در رابطه با ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها چنانچه به‌طور منطقی و فارغ از تقاضاهای موجود، (جز در مورد ممنوعیت‌های قانونی و شرعی) و مقایسه تولید داخلی از لحاظ کمیت و کیفیت و بدون توجه به حقوق مصرف‌کنندگان تنظیم نشده باشند از موجبات جدی و اصلی تشدید قاچاق است.
- وضع شرایط ورود یا صدور اگر با توجه به مواردی که تقریباً صد درصد حساب شده و مبتنی بر کارشناسی‌های دقیق نبوده باشد و صرفاً از باب عادت و سنت گذشته انتخاب و یا در بعضی موارد به‌عنوان محمل و مفری برای قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی عوامل دولتی در سطوح پایین، که بیشترین تماس و اختیار مجوزها را در اختیار دارند، انتخاب شده باشد دارای آثار به‌مراتب بدتر از مواردی است که به‌طور قاطع ممنوعیت‌ها را تشکیل می‌دهد و آثار سوء چندگانه‌ای است که هم قاچاق و هم ارتشاء را تشدید می‌کند.
- مقررات و قوانین بازرگانی باید در وضع سود بازرگانی، حقوق گمرکی و عوارض رعایت اعتدال و حفظ حقوق مصرف‌کنندگان را هم، همان‌طور که حقوق تولیدکنندگان باید به‌طور منطقی رعایت شود، بنماید. یعنی صرف جایگزینی و توصیه قانون برنامه سوم به حذف تدریجی موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌ای، به هر نوع پیشنهاد وزارتخانه‌های تولیدی و صنعتی، که در تعیین تعرفه‌ها فارغ از ارایه

جزئیات محاسبات و استدلال و استناد قابل قبول به عمل می آید، اقدام به افزایش نکند تا موجب تشدید قاچاق نشود.

موانعی که حذف آنها در واردات و صادرات از لحاظ مصالح عمومی، اقتصادی و ارزی کشور تأثیر چندانی ندارد اگر با قاطعیت حذف نشود از موجبات قاچاق است (بنائی، ۱۳۸۲: ۱۷۲-۱۷۱). بنابر آنچه که در این بخش آمده است ملاحظه می شود که تأثیر قوانین و مقررات بازرگانی در قاچاق کالا قطعی و اجتناب ناپذیر است.

داده‌های پرسش‌نامه‌ای

داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه‌های توزیع شده بدین صورت می باشد که بیشتر افراد شاخص‌های مؤثر در قاچاق کالا را مورد تأیید قرار داده‌اند. فراوانی پاسخ‌های داده شده به پرسش‌نامه‌های توزیع شده به صورت جدول شماره (۱) می باشد:

جدول (۱): فراوانی داده‌ها

ردیف	شاخص‌های مؤثر در قاچاق کالا	خیلی زیاد	زیاد	بی نظرم	کم	خیلی کم
عوامل (شاخص‌های) جغرافیایی						
۱	جغرافیای طبیعی منطقه مرزی	۹	۳۱	۶	۷	۱
۲	طول مرزهای ایران	۶	۲۲	۱۰	۱۴	۱
۳	الگوی ترکیبی ملت ایران از منظر جغرافیایی	۵	۲۱	۱۶	۱۰	۲
۴	موقعیت محوری و ترانزیتی ایران	۱	۱۴	۲۰	۱۵	۳
عوامل اقتصادی						
۵	نابرابری‌های فضایی	۹	۲۳	۷	۱۴	۱
۶	فقر و تنگدستی	۱۱	۲۶	۸	۸	۱
۷	بیکاری	۱۱	۲۴	۶	۱۲	۱
۸	وجود فاصله اقتصادی بین دو کشور همسایه	۷	۲۲	۱۴	۷	۱
۹	توسعه نیافتگی مناطق مرزی	۹	۳۲	۴	۸	۱
عوامل اجتماعی و فرهنگی						
۱۰	وجود پیوندهای مذهبی و فرهنگی با آن سوی مرز	۵	۲۴	۵	۱۴	۶
۱۱	تبعیض‌های ناروا	۱۱	۲۶	۸	۸	۱
۱۲	فرهنگ عمومی	۱۰	۲۷	۸	۶	۳
۱۳	افزایش فرهنگ مصرف‌گرایی	۱۹	۲۰	۴	۷	۴
۱۴	نیاز مردم دو سوی مرز به کالاهای قاچاق	۱۴	۲۱	۸	۸	۲

ردیف	شاخص‌های مؤثر در قاچاق کالا	خیلی زیاد	زیاد	بی نظرم	کم	خیلی کم
عوامل سیاسی						
۱۵	تعدد همسایگان	۱۵	۲۴	۶	۷	۱
۱۶	میزان اعمال حاکمیت کشور همسایه در قلمرو خود	۲۰	۲۳	۸	۱	۲
۱۷	حضور و اشغال نیروهای بیگانه در کشورهای همسایه	۱۵	۲۷	۶	۴	۱
۱۸	وضعیت روابط سیاسی با کشورهای همسایه					
۱۹	قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی	۱۶	۲۸	۶	۳	۱

نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در مرزهای ایران با توضیح ذیل مشخص می‌شود.

امروزه اقتصاد غیررسمی عارضه‌ای است که کشورهای مختلف جهان با آن مواجه هستند. بررسی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و حتی قوانین حاکم نشان می‌دهد که جوامع مختلف در طول زمان با به‌کارگیری شیوه‌ها و ابزارهای مناسب سعی در حذف یا کاهش این نوع فعالیت‌ها و هدایت آن به سمت فعالیت‌های رسمی داشته‌اند. این در حالی است که توجه اقتصاددانان به اقتصاد غیررسمی طی چند دهه گذشته به دلیل ناکارآمدی نظریه‌های اقتصاد رسمی در توجیه بحران‌ها و نوسانات اقتصادی بیشتر شده است به طوری که دامنه وسیعی از تعاریف و اصلاحات دیگر نظیر اقتصاد پنهان، اقتصاد سرمایه‌ای، اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد غیربازاری و غیره نیز در این مقوله مطرح شده است. روند رو به افزایش شکل‌گیری اقتصاد غیررسمی و قاچاق کالا در قرن حاضر در کشورهای مختلف جهان به‌ویژه کشورهای جهان سوم و در حال توسعه نمود بیشتری یافته و سبب بارزتر شدن بحث جدیدی تحت عنوان «مدیریت بهینه مرزها» شده است که حکومت‌ها از آن به‌عنوان راهبردی برای به حداکثر رساندن فرصت‌های فراسوی مرز و کاهش چالش‌ها و ناامنی‌های فراسوی مرز و همچنین کنترل و کاهش قاچاق کالا بهره‌می‌برند. در این بین کشور جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. پدیده قاچاق کالا در جمهوری اسلامی ایران نیز توسعه قابل توجهی

یافته‌است؛ پدیده‌ای که صنایع کشور را با چالشی جدی روبه‌روساخته و مانع رشد و توسعه تولیدات داخلی گردیده‌است.

گرچه از رقم دقیق حجم معاملات قاچاق، به دلیل ماهیت مخفی‌گری و غیرقانونی آن اطلاع دقیقی در دست نیست اما حدس‌ها و گمانه‌زنی‌ها دامنه آن را بین ۷ تا ۸ میلیارد دلار در سال برآورد کرده‌است. بدیهی‌است این حجم پنهانی عظیم از تجارت خارجی ایران حامل آثار سوءاقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی است که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت و اجازه داد که ارکان نظام عقب‌مانده و نظام تولیدی کشور بیشتر مورد حمله واردات قاچاق قرارگیرد و یا یارانه‌های مرتبط با سبب مصرفی از طریق خروج غیرقانونی اقلام عمده‌ای مانند بنزین و آرد نصیب قاچاقچیان شود.

متأسفانه به‌کارگیری شیوه‌های مبارزه با معلول که همواره با افزایش هزینه‌های امنیتی و کنترلی همراه است نه‌تنها نتایج مطلوبی را در سرکوب عوامل عمده و اصلی قاچاق به‌دست نمی‌دهد بلکه آنان را هوشیارتر، متشکل‌تر و سازمان‌یافته‌تر می‌سازد. البته طبیعی‌است که نیروهای امنیتی برحسب تکالیف قانونی خویش با هر نوع اقدام غیرقانونی مقابله‌کنند و به‌ویژه در مورد برخورد با قاچاقچیان، که مفسدان اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شوند، به بهترین تجهیزات و تکنیک‌ها مجهز گردند ولی باید توجه داشت که طرف مقابل نیز گرچه در این جدال آشکار و نهان تلفات مالی و جانی را متحمل می‌شود اما همواره در اندیشه بازسازی و تقویت و سازماندهی خویش است. در این راستا، برای دستیابی به نتیجه بهتر باید حکومت جمهوری اسلامی ایران به سمت دستیابی به یک راهبرد مدیریت بهینه مرزی گام بردارد تا از طریق این راهبرد بتواند مرزهای خود را به‌صورت مؤثری مدیریت کند و از فرصت‌های فراسوی مرزها، که کشورها در دوره حاضر وابستگی بیشتری به آنها پیدا کرده‌اند، نهایت بهره را برده و از سوی دیگر ناامنی‌های ناشی از آن سوی مرز را تا حد امکان کاهش دهد. در این راستا، برای این که بتوان پدیده قاچاق کالا را تحت کنترل درآورد و تا حد امکان آن را به‌صورت بهینه‌ای مدیریت کرد نیازمند توسعه شناخت و درک ریشه‌ای عوامل و شاخص‌های مؤثر بر این پدیده می‌باشیم. هرچند در این زمینه مطالعات متعددی صورت گرفته‌است اما با نگاهی به این مطالعات مشخص می‌شود که بیشتر آنها به‌صورت سطحی پدیده قاچاق کالا را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و کمتر مسائل ریشه‌ای در شکل‌گیری قاچاق کالا در

مرزهای کشور را مورد بررسی قرار داده‌اند. بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی شده است شاخص‌های مؤثر در پدیده قاچاق کالا تبیین شود تا از طریق این شناخت بتوان زمینه ارایه راهبرد برای مدیریت مرزها به منظور کاهش و تحت کنترل در آوردن قاچاق کالا فراهم شود. در این بین ۱۸ عامل به عنوان عوامل مؤثر بر قاچاق کالا، که مدیریت مرزها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، استخراج شد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- بیکاری بالا در مناطق مرزی که ناشی از نبود رشد اقتصادی این مناطق به دلیل فقدان سرمایه‌گذاری لازم در آن و همچنین خشونت‌های طبیعی و ... می‌باشد؛
- محرومیت و توسعه نیافتگی شدید و نامتعادل؛
- نابرابری اقتصادی- فرهنگی این مناطق نسبت به مناطق مرکزی؛
- قرارگیری گروه‌های قومی در مناطق مرزی و حاشیه‌ای کشور که دارای دنباله‌هایی در آن سوی مرز می‌باشند؛
- فقدان توانایی کشورهای همسایه به دلایل مختلف نظیر اشغال، مسائل اقتصادی، قومی و قبیله‌ای بودن و... در کنترل کارآمد مرزهای خود؛ و....

از سوی دیگر برای درک رابطه بین تردهای مرزی با قاچاق کالا در مرزهای کشور عوامل مؤثر در قاچاق کالا نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و ۲۶ عامل مؤثر در امر قاچاق کالا برای آن بیان شد. در این بین عواملی چون: بیکاری، فقر و توسعه نیافتگی مناطق مرزی، گسترش گروه‌های قومیتی ایران در نوار مرزی و دارا بودن پیوندهایی با آن سوی مرزها، فقدان قدرت کشورهای همسایه در کنترل و نظارت بر مرزهای خود و... از جمله این عوامل می‌باشند. همچنین، برای تأکید بر درستی و میزان تأثیرات این شاخص‌ها بر قاچاق کالا داده‌های پرسش‌نامه‌ای با محوریت قاچاق کالا به عنوان متغیر وابسته و ۲۰ متغیر مستقل جمع‌آوری شد. در خصوص تجزیه و تحلیل تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته از آزمون T-Test استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول (۲): One-Sample Test

	Test Value = 0					
	T	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
Q1	28.774	53	.000	3.741	3.48	4.00
Q2	23.043	52	.000	3.340	3.05	3.63
Q3	24.211	53	.000	3.315	3.04	3.59
Q4	22.859	52	.000	2.906	2.65	3.16
Q5	22.904	53	.000	3.463	3.16	3.77
Q6	26.654	53	.000	3.704	3.42	3.98
Q7	23.832	53	.000	3.593	3.29	3.89
Q8	26.079	50	.000	3.529	3.26	3.80
Q9	28.197	53	.000	3.741	3.47	4.01
Q10	18.735	53	.000	3.148	2.81	3.49
Q11	26.654	53	.000	3.704	3.42	3.98
Q12	24.724	53	.000	3.648	3.35	3.94
Q13	22.060	53	.000	3.796	3.45	4.14
Q14	23.688	52	.000	3.698	3.38	4.01
Q15	26.813	52	.000	3.849	3.56	4.14
Q16	30.915	53	.000	4.074	3.81	4.34
Q17	30.695	52	.000	3.962	3.70	4.22
Q18	32.791	53	.000	4.019	3.77	4.26
Q19	27.929	53	.000	3.722	3.45	3.99

عوامل جغرافیایی

۰.۰۰۰ = جغرافیای طبیعی منطقه مرزی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

۰.۰۰۰ = طول مرزهای ایران بر قاچاق کالا مؤثر است؛

۰.۰۰۰ = الگوی ترکیبی ملت ایران از منظر جغرافیایی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

۰.۰۰۰ = موقعیت محوری و ترانزیتی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

عوامل اقتصادی

۰.۰۰۰ = نابرابری‌های فضایی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

۰.۰۰۰ = فقر و تنگدستی ساکنان مرزی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

۰.۰۰۰ = بیکاری بر قاچاق کالا مؤثر است؛

۰.۰۰۰ = وجود فاصله اقتصادی بین دو کشور همسایه بر قاچاق کالا مؤثر است؛

۰.۰۰۰ = توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

عوامل اجتماعی و فرهنگی

۰.۰۰۰ = وجود پیوندهای مذهبی و فرهنگی با آن سوی مرز بر قاچاق کالا مؤثر است؛

۰.۰۰۰ = تبعیض‌های ناروا بر قاچاق کالا مؤثر است؛

۰.۰۰۰ = فرهنگ عمومی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

۰.۰۰۰ = افزایش فرهنگ مصرف‌گرایی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

۰.۰۰۰ = نیاز مردم دو سوی مرز به کالای قاچاق بر قاچاق کالا مؤثر است؛

عوامل سیاسی

۰.۰۰۰ = تعدد همسایگان بر قاچاق کالا مؤثر است؛

۰.۰۰۰ = میزان اعمال حاکمیت کشور همسایه در قلمرو خود بر قاچاق کالا مؤثر است؛

۰.۰۰۰ = حضور و اشغال نیروهای بیگانه در کشور همسایه بر قاچاق کالا مؤثر است؛

۰.۰۰۰ = وضعیت روابط سیاسی با کشورهای همسایه بر قاچاق کالا مؤثر است؛

۰.۰۰۰ = قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی بر قاچاق کالا مؤثر است.

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون بالا بیانگر آن است که ۱۹ شاخصی که به‌عنوان شاخص‌های مؤثر بر پدیده قاچاق کالا از سوی پژوهشگر در نظر گرفته شده‌است مورد تأیید صاحب‌نظران، استادان و پژوهشگران این حوزه می‌باشد.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش باید گفت روند تحولات در عرصه جهانی در قرن حاضر تغییرات عمده‌ای را به‌وجود آورده‌است. از جمله این تغییرات گسترش پدیده

جهانی‌شدن اقتصاد می‌باشد که سبب‌شده‌است سطح روابط اقتصادی در قرن حاضر به‌طور قابل ملاحظه‌ای توسعه‌یافته و بازیگران عرصه اقتصادی نیز بیشتر و متفاوت‌تر شوند و نیز زمینه حضور افراد، گروه‌ها و سازمان‌های مختلف را در عرصه اقتصادی فراهم آورد. از سوی دیگر، روند جهانی‌شدن موجب توسعه روابط بین کشورها شده و نفوذپذیری مرزهای سیاسی در برابر جریان‌های اقتصادی بسیار افزایش یافته‌است. همچنین، درهم‌تنیدگی و وابستگی متقابل در گستره جهانی به حدی رسیده که امکان چندان برای اتخاذ سیاست انزوا و خودکفایی اقتصادی وجود ندارد و تصمیم به برکناربودن از شبکه‌های اقتصادی جهان‌گستر بسیار دشوار، پرهزینه و حتی ناممکن شده است. این امر به صورت‌های مختلف بر مرزهای سیاسی بین کشورها و مناطق مرزی تأثیر گذاشته و زمینه توسعه مبادلات تجاری بین کشورها، چه در قالب مبادلات قانونی و چه در قالب مبادلات غیرقانونی بین کشورها، را فراهم آورده و سبب شده‌است که تردهای بین کشورها به‌حد قابل ملاحظه‌ای برای استفاده از این شرایط جدید به‌دست آمده برسد و بهره‌وری از روند جهانی‌شدن افزایش پیدا کند. بر این اساس، کشورها با توجه به این شرایط جدید در تکاپوی کنترل و کاهش پدیده قاچاق کالا به کشور خود از طریق مدیریت مرزهای خود هستند. همچنین، تأثیرات مستقیم و گسترده مرزهای هر کشور بر استقلال و تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، امنیت داخلی، اوضاع اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژی، دیپلماسی و نیروی نظامی آن کشور اهمیت ویژه مرزهای آن کشور را آشکار می‌سازد. بدین لحاظ توجه به وضعیت مرزها همواره از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار بوده و دولت‌ها برای کنترل مرزهای خود ناچار به سرمایه‌گذاری‌های مختلف می‌باشند که از این طریق بتوانند مرزهای خود را مدیریت کنند.

در این بین کشور جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن مرزهای طولانی و تعدد همسایگان و شرایط و موقعیت خاص جغرافیایی و ژئوپلیتیکی که این کشور را در محور ترانزیتی، توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی، بیکاری بالا در مناطق مرزی، همسایگان فاقد توانایی در اداره کشور و... شرایط خاصی را در اداره و مدیریت مرزها برای جلوگیری از قاچاق کالا فراهم کرده‌است. زیرا قاچاق در سال‌های اخیر خود را به‌صورت یک معضل دارای ابعاد مختلف بر حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور تحمیل کرده‌است. قاچاق کالا پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که مطالعه آن به

پژوهش‌های جدی بین‌رشته‌ای نیاز دارد و هرگونه برخورد یک‌بعدی می‌تواند بر پیچیدگی آن بیفزاید. بر این اساس، برای این‌که بتوان قاچاق کالا و اثرات مخرب آن بر کشور را تا حد امکان کاهش داد باید این پدیده را از زوایای مختلف و به‌صورت ریشه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرارداد. پدیده قاچاق کالا پدیده‌ای تک‌علتی نیست و محصول و پیامد مجموعه عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. بنابراین، کاهش و کنترل آن برنامه‌ای همه‌جانبه را می‌طلبد. به‌طور کلی می‌توان گفت مسئله قاچاق کالا در طول مرزهای جمهوری اسلامی ایران اجتناب‌ناپذیر بوده ولی از طریق برطرف کردن و کنترل شاخص‌های مؤثر بر قاچاق کالا و همچنین ارایه راهبرد مدیریت دوجانبه مرزها قابل کنترل است.

پیشنهاد‌های راهبردی

راهبردهای مدیریتی ارایه‌شده در این بخش از عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در طول مرزهای ایران گرفته‌شده است. این راهبردها عبارتند از:

- ایجاد شناخت جغرافیای طبیعی منطقه مرزی در نیروهای مرزی؛
- مکانیزه کردن و استفاده از تجهیزات جدید کنترلی به‌منظور جبران کمبود نیروهای مرزی؛
- محول کردن نقش‌آفرینی و بازیگری فعال در مدیریت مرزها به ساکنان مرزی؛
- حرکت به سمت همکاری‌های بین‌المللی برای کاهش ترانزیت قاچاق کالا از مسیر ایران؛
- کاهش نابرابری‌های فضایی به‌ویژه بین مناطق مرکزی و مرزی کشور؛
- بالابردن سطح زندگی ساکنان مرزی؛
- کاهش بیکاری در مناطق مرزی؛
- کاهش تبعیض در دسترسی به امکانات در مناطق مرکزی و مرزی؛
- تعامل با کشور همسایه به‌منظور کاهش هزینه‌ها و مدیریت بهتر مرزها؛

– توسعه قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی کشور.

قدردانی

مقاله حاضر از طرح تحقیقاتی با عنوان «بررسی تردهای غیرمجاز مرزی و ارتباط آن با قاچاق کالا» استخراج شده است. لذا نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی و آمار و اطلاعات ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز ریاست جمهوری به دلیل مساعدت‌ها و حمایت مالی آنها قدردانی به عمل آورند.

Archive of SID

منابع

- ابراهیم‌زاده‌آسمین، حسین؛ عباسیان، مجتبی (۱۳۹۰)، بررسی عوامل و دلایل قاچاق در استان سیستان و بلوچستان و راهکارهای رفع آن، دوماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال هفتم، شماره ۳۱.
- احمدی، عباس (۱۳۸۳)، پروانه گذر مرزی در مرز ایران و ترکمنستان، پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- اعتماد، سلطان‌محمد (۱۳۷۵)، امنیت و ثبات اجتماعی در برنامه‌های آمایش سرزمین، ایجاد قطب‌های جدید اقتصادی و سیاسی جابه‌جایی جمعیت، مجموعه مقالات آرایه‌شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، ج ۲، ناشر وزارت کشور.
- بشیری، حسین (۱۳۷۷)، بررسی جغرافیایی روستاهای مرزی استان اردبیل به‌منظور توسعه اقتصادی و اجتماعی با تأکید بر مسائل سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران.
- بنائی، رضا (۱۳۸۲)، هزار سؤال گمرکی و بازرگانی و پاسخ آن، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- تیلا، محمود (۱۳۸۸)، سطح نابرابری توسعه استان‌های مرزی کشور، فصلنامه شرتو، دوشنبه ۵ مرداد ۱۳۸۸.
- جان‌پرور، محسن (۱۳۸۶)، بررسی و تحلیل جایگاه مذهب و فرهنگ در اتحاد و همبستگی ایرانیان، مجموعه مقالات همایش اتحاد ملی راهبردها و سیاست‌ها، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۷۵)، عوامل و موانع حقوقی امنیت و نظم اجتماعی در ایران، مجموعه مقالات آرایه‌شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، ج ۲، ناشر وزارت کشور.
- درایسدل، آلاسیر؛ اچ‌بلیک، جerald (۱۳۷۴)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۹)، لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه قاچاق. انتشارات بی‌نا.
- ریتز، جورج (۱۳۷۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه احمدرضا غروی‌زاده، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- سرور، رحیم (۱۳۸۴)، جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین، تهران: انتشارات سمت.
- شعبانلو، سعید (۱۳۸۶)، تأثیر برنامه‌های رسانه‌ای (داخلی و خارجی) بر امنیت مرزهای استان آذربایجان غربی، مجموعه مقالات همایش مرز؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، ج ۲، ارومیه: انتشارات ادیبان.

- شکیبایی، علیرضا؛ احمدی، علی محمد (۱۳۷۸)، قاچاق کالا علل، آثار و شاخص‌های اندازه‌گیری آن، مجموعه مقالات سومین همایش ملی بررسی پدیده قاچاق کالا و راه‌های پیشگیری از آن، اداره کل مبارزه با قاچاق کالا ناجا، پژوهشکده اقتصاد مدرس.
- عبدالمحمدی، امیر (۱۳۸۸)، مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قاچاق کالا در ایران، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره سوم، سال دوم.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰)، نظریه پایه و اصول مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- فرهنگ‌آذر، میرجعفر (۱۳۸۶)، صیانت از مرزهای کشور جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اقتصادی و سیاسی، مجموعه مقالات همایش مرز؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، ج ۲. ارومیه: انتشارات ادیبان.
- فیروزجایی، مختار (۱۳۸۴)، قاچاق کالا و ارز، نشر قانون.
- قنادان، منشور و دیگران (۱۳۸۰)، مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات آوای نور.
- قنبری، علی اصغر (۱۳۸۳)، زمینه‌های بروز بحران‌های قومی در ایران با تأکید بر نقش جغرافیا در آن، جغرافیای نظامی و امنیتی، سال دوم، شماره ۱.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
- کلهر، رضا و دیگران (۱۳۸۷)، تأثیر اقدامات بدوکی‌ها در سیستان و بلوچستان بر امنیت مناطق مرزی ایران و پاکستان، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، تابستان، شماره ۲.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۰)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷)، سالنامه آماری.
- معین، محمد (۱۳۸۳)، فرهنگ فارسی معین ذیل واژه قاچاق، تهران: انتشارات بی‌نا.
- مینایی، مهدی (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- یاسوری، مجید (۱۳۸۴)، سیاست‌گذاری منطقه‌ای و چگونگی نابرابری‌ها در کشور، فصلنامه سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۱-۲۱۲.
- KGH Border Services, (2012). Border Management [on lien]. Available from: http://admin.kghcustoms.com/upload/sites/1/files/bs_pdfs/Border%20Management%20vs%20Border%20Controll.0.PDF.
- Walker. Lynn. A (2011). Boundary management consulting[on lien]. Available from: <http://www.boundarymanagement.com/5%20Reasons.htm>.